

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۸ فبروری ۲۰۲۲



یونس نگاه

تقابل بیرق‌ها

(چرا طالبان از بیرق سیاه و سفید دست نخواستند کشید؟)



بیرق طالبان خلاصه دیدگاه آن گروه برای افغانستان است. طالبان قانون اساسی، منشور یا اعلامیه بنیان‌گذاری ندارند اما یک چیز مهم دارند که می‌توان با دقت به آن قانون اساسی نانوخته‌شان را خواند، آن چیز مهم بیرق است. بیرق طالبان سیاه و سفید است و مواضع آن گروه را این‌گونه بیان می‌کند:

(۱) برگشت به گذشته. ترکیب سیاه و سفید نماد گذشته است. طالبان هرم زندگی را سرچپه می‌خواهند. از نظر آنان انسان‌ها مسیر قهقرائی را طی کرده‌اند. روزهای خوب و عصرهای درخشان گذشته است. خوشبختی در برگشت است نه در پیشرفت.

(۲) تک‌صدائی. رنگ حاکم در بیرق طالبان سیاه است که با آن کلمه مبارک نوشته شده است. این خط سیاه سراسر بیرق را به شکل تهاجمی تسخیر کرده است. رنگ سفید زمینه بیرق طالبان، خنثی‌ست و تنها برای حمل آن سیاهی استفاده شده تا آن شعار سیاه برجسته ظاهر شود. در واقع جامعه را اگر آن زمینه سفید و یک رنگ تصور کنیم- آن‌گونه که طالبان می‌خواهند- نه در آن موج است، نه در آن حرکت و تنوعی. خط سیاه بر آن حاکم است و جامعه را هدایت می‌کند.

۳) استبداد. خط بیرق خشن و خنجرگون است. اگر معنای آن کلمات را در نظر نگیریم و فقط به شکل و تصویرش از چشم آدمی که خط عربی نمی‌داند نگاه کنیم، بیرق پر از شلاق، میله، خنجر و تیر می‌شود. در فاصله هر میله آن خطوط نشانه‌های جزم و تشدید و زیر و زبر چون تیر و کارتوس و چاقو پراکنده شده‌اند. بیرق طالبان می‌گوید برگشت به گذشته و اعمال تک‌صدائی با اجبار و زور انجام خواهد شد.

۴) نبود حرکت. بیرق طالبان ساکن و فاقد حرکت است. با آن‌که حروف بسیاری بر آن نوشته شده‌اند، اما آن حروف طوری کنار هم قرار داده شده‌اند که شکل مربعی و خشت‌مانند را می‌سازند، با گوشه‌های تیز و برنده. هیچ موج و نرمشی در آن دیده نمی‌شود.

بیرق افغانستان اما پیچیده‌تر است، و شبیه تاریخ و اجتماع افغانستان رنگین و پر خم و پیچ:

۱) پیوند با گذشته. در بیرق افغانستان نیز گذشته موج می‌زند. اما درین بیرق یک گذشته نیست بلکه چندین گذشته و مراحل مختلف، و چندین بخش از هویت تاریخی کشور در آن دیده می‌شود. درین بیرق به گذشته چون ریشه نگاه شده است، حال و آینده را خواسته‌اند در پیوند با آن ریشه‌ها شکل دهند.

۲) رنگینی و تنوع. در بیرق افغانستان نیز خط، اشکال نوکتیز و جزئیات بسیار است. اما آن جزئیات در رنگ‌ها غرق‌اند. خط، شعار، اشکال نوکتیز، گندم و نشان‌های دیگر هویت اصلی بیرق را نمی‌سازند بلکه حاشیه‌هایی بر متن اصلی (رنگینی) می‌باشند. آدمی که سواد خط عربی ندارد، بیرق افغانستان را خشت نی، کلکسیون خنجر و سوت‌ه نی بلکه گلستان رنگ‌ها می‌بیند.

۳) امکان دمکراسی. وجود چند رنگ درین بیرق افغانستان اعتراف به نیاز مذاکره و هم‌زیستی‌ست. دمکراسی با همین اعتراف شروع می‌شود. وقتی نظامی داشته باشیم که بگوید تو هستی، من هستم و او هست امکان ساختن جامعه دمکرات مهیا می‌شود.

۴) حرکت. بیرق افغانستان حرکت را تداعی می‌کند. سیاه، سرخ، سبز چون پته‌های زینه و مراحل تحول کنار هم ایستاده‌اند. اگر باد ملایمی به صورت این بیرق بوزد به دلیل رنگینی آن موج‌هایش بسیار زود و برجسته به چشم می‌خورد. اما اگر بیرق طالبان را طوفان هم ته و بالا کند، مثل سوت‌ه‌ای که تکان می‌خورد یا خشتی که این‌طرف و آن طرف می‌لود بی‌موج به‌نظر می‌رسد.

طالبان به آسانی بیرق افغانستان را قبول نخواهند کرد، زیرا با بنیادهای فکری‌شان در تضاد است. طالبان می‌خواهند رنگ‌های افغانستان را بزداوند، مسیرهای رو به آینده را ببندند، حرکت‌ها را متوقف سازند و ملت را به اجبار و سوت‌ه به سمت گذشته برگردانند. با بیرق رنگین، امارت نمی‌شود.

شما نیز نمی‌توانید زیر بیرق سوت‌ه‌ای طالبان به‌زندگی دست یابید که در آن رنگ، حرکت، تنوع و آزادی باشد. بیرق طالبان، نماد استبداد است؛ استبدادی که رو به گذشته دارد و جهان را سیاه‌وسفید می‌بیند.